

در شرایط فعلی که ایران وارد دوران پسا برجام شده و رفع تحریم‌ها چهره دیگری به اقتصاد کشور بخشیده است و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با سایر کشورهای دنیا بخصوص کشورهای پیشرفته و صنعتی از اولویت‌های اصلی دولت دکنتر روحانی است، بی‌شک انتظار بروز تحولی نوین در بخش سرمایه‌گذاری خارجی نیز دور از ذهن نیست. هر چند چنین تحولی نیازمند تغییر در برخی قوانین، نگرش‌ها و البته گسترش خصوصی سازی در کشور خواهد بود. برای بررسی بیشتر این موضوع و ارزیابی قوانین و مقررات موجود در زمینه سرمایه‌گذاری در ایران از دکتر محمدجعفر قنبری چهرمی –مدیر گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی و قائم مقام مرکز حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری – به‌گفت‌وگو نشستیم.



گفت‌وگو با دکتر محمدجعفر قنبری چهرمی، مدیر گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

سرمایه‌گذاری خارجی در پیچ و خم موانع حقوقی

■ **قوانین و مقررات اساسی حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

موضوع سرمایه‌گذاری خارجی بی‌تردید از بحث‌های کلاسیک حقوق بین‌الملل است و تا قبل از جنگ جهانی دوم تحت عنوان «حقوق بیگانگان» و تا حدودی در چارچوب «معاهدات مودت، بازرگانی و دریانوردی» مورد توجه کشورها بوده است. اما بحث سرمایه‌گذاری خارجی برای کشورهای در حال توسعه بعد از جنگ جهانی دوم اهمیت زیادی پیدا کرد و یکی از محورهای مهمی بود که این کشورها بتوانند با آن وضعیت اقتصادی‌شان را بهبود ببخشند. در این زمینه تحرکاتی از قبیل سلب مالکیت دارایی‌های سرمایه‌گذاران خارجی همانند ملی‌سازی نفت در ایران، موجبات تکامل و ظهور قواعد و مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم ساختند. بطوری‌که امروزه می‌توان از شکل‌گیری «حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری» سخن گفت. اما به موازات تحولات رخ داده در حقوق بین‌الملل که از اساس، حقوق و تکالیف دولت‌های میزبان از یک سو و سرمایه‌گذار و دولت متبوع او از سوی دیگر را در سطح بین‌المللی تعیین می‌کند، اغلب کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه، در مورد چگونگی برخورد سرمایه‌گذاران را در چارچوب نظام حقوقی داخلی دولت میزبان تعیین می‌کنند.

■ **در متون حقوقی کنسور ما این وضعیت چگونه تبیین شده است؟**

در کنسور ما هم می‌توان با بررسی قانون اساسی و قوانین عادی وجود چنین نظام ویژه حقوقی را ملاحظه کرد که آن را به طور کلی شرح می‌دهم: نخستین قانونگذاری خاصی در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران متعلق به سال ۱۳۳۴ است که «قانون حفظ و حمایت سرمایه‌های خارجی» نام داشت. این قانون تا سال ۱۳۸۱ که قانون «تسهیل و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» و «این نامه‌های آن به تصویب رسید کاربرد داشت. اما با تصویب آن، قانون سال ۳۴ به شکل کامل ملغی شد.

تکذابی که در مورد قانون سال ۱۳۳۴ باید گفت: این است که در فضای آن سال‌ها که به نوعی هجوم شرکت‌های خارجی به ایران بود، این قوانین تضمینات لازم را برای سرمایه‌گذار خارجی فراهم کرده بود و یک رژیم باز و مطبق میل سرمایه‌گذار خارجی در ایران فراهم بود که تا حدودی در افزایش سطح سرمایه‌گذار خارجی و تنوع آن نقش بسزایی داشتند.

اما بعد از انقلاب شاهد رویکردهای متفاوتی نسبت به موضوع سرمایه‌گذاری خارجی بودیم که می‌توان آن را به دوره‌های حدود ۱۰ ساله تقسیم کرد. از سال ۵۸ تا ۶۹ یک دوره، سپس سال ۷۰ تا ۸۱ دوره دوم و بعد از آن تا کنون؛ اگرچه توافق برجام می‌تواند آغازگر دوره جدیدی باشد.

■ **مهم‌ترین تفاوت‌های این دوره‌ها چه بود؟** در دهه نخست پس از انقلاب، شاهد یک

اطلاعرسانی و... برای دریافت مجوز است.

در همین جا باید به نکته مهمی اشاره کرد که شاید یکی از نقاط ضعف قانون سال ۸۱ هم تلقی می‌شود. این ماده اشاره دارد به قانون مربوط به تمکک اموال غیرمتنقل اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰ که به قوت خود باقی است و می‌گوید: «تملک هر نوع زمین به هر میزان به نام سرمایه‌گذار خارجی در چارچوب این قانون مجاز نمی‌باشد.» البته قانون سال ۱۳۱۰ به طور عمده تمکک اموال زراعی را توسط اتباع خارجی ممنوع اعلام می‌کرد نه «تملک هر نوع زمین».

■ **چرا فکر می‌کنید که این ماده قانونی در رونق سرمایه‌گذاری خارجی مانع ایجاد می‌کند؟**

این یک نگرش منفی و محتاطانه نسبت به فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی است چرا که برای هر نوع فعالیت، سرمایه‌گذار نیاز به ملک و مکانی دارد و نباید رویکرد و نگاه صد سال پیش را به این موضوع داشت و این انتقاد مهم به قانون موجود است، یعنی به عنوان مثال یک هتلدار چگونه می‌تواند بدون اینکه زمینی را تملک کند برای ساخت هتل سرمایه‌گذاری کند؟ براساس قواعد حقوق بین‌الملل، کشورها اجازه دارند سرمایه سرمایه‌گذار خارجی را ملی‌سازی کنند و خسارتش را بپردازند. بنابراین نیازی نبوده قانونگذار به ممنوعیت تملک اموال توسط خارجی‌ها حساسیت نشان دهد. البته آیین نامه اجرایی قانون سال ۸۱ تا حدی مشکل را حل کرده و خرید ملک به نام شرکتی را که در ایران تشکیل شده میسر دانسته است. البته به نظر می‌رسد تصویب جدید برای تسهیل این امر که یک خارجی بتواند در ایران صاحب ملک شود می‌تواند به رونق اقتصادی کشور کمک کند.

■ **سؤال مشخصی که وجود دارد این است که در قوانین ما، چه تمهیداتی برای جلب سرمایه خارجی اندیشیده شده است؟**

قانون تشویق و حمایت سال ۸۱ سه روش را برای سرمایه‌گذاری خارجی تعریف کرده است. در روش مستقیم، خارجی‌ها پول، دانش فنی، سرمایه، مدیریت و... را همراه می‌آورند. قانون سال ۱۳۳۴ فقط همین نوع سرمایه‌گذاری را پوشش می‌داد اما قانون جدید روش غیرمستقیم را که همانا خرید سهام و اوراق قرضه، اعطای وام به بنگاه‌های موجود در کشور است را نیز پوشش داده و خرید سهام در بورس هم شیوه حمایت‌های قانون قرار می‌گیرد. از سوی دیگر سرمایه‌گذار خارجی در مقابل سلب مالکیت تضمین می‌شود و در صورت وقوع چنین مشکلی مستحق دریافت غرامت خواهد بود. در این قانون استاندارد که در مورد سلب مالکیت و پرداخت غرامت پیش بینی شده، مشابه استاندارد کشورهای دیگر و حقوق بین‌الملل است. این قانون در مورد مالکیت حل اختلاف کرده همواره موجب نگرانی سرمایه‌گذاران بوده است. پیش‌بینی کرده که اختلاف بین دولت و سرمایه‌گذار خارجی در دادگاه‌های داخلی کشور رسیدگی شود مگر اینکه در موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی با شیوه دیگری توافق شده باشد.

در اینجا به معاهدات تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری می‌رسیم که از دهه ۸۰ تاکنون ۳۳ کشور منعقد شده است. در این معاهدات به طور کلی همان تضمینات و امتیازات قانون سال ۸۱ برای سرمایه‌گذاران در کشور در نظر گرفته شده‌اند. با این تفاوت که امتیازات، حمایت‌ها و تضمینات در شمول حقوق بین‌الملل قرار گرفته و دولت میزبان را در چارچوب حقوق بین‌الملل در برابر دولت طرف معاهده و سرمایه‌گذار متعهد می‌کند. امتیاز بسیار مهم برای سرمایه‌گذارانی که در کشورهای میزبان این نوع از معاهدات را منعقد کرده‌اند، این است که طرفین می‌پذیرند شیوه‌های حل اختلاف براساس داوری باشد. بنابراین آنها همواره می‌توانند برای استیفای حقوق خود از طریق داوری بین‌المللی اقدام کنند. اما نکته‌ای که وجود دارد تفاسیری است که از اصل ۱۲۹ قانون اساسی می‌شود. این اصل می‌گوید: صلح عادی مربوط به اموال عمومی و دولتی با ارجاع آن به داوری... در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد.

یک تفسیر از این اصل آن است که می‌گوید: تا زمانی که اختلاف حادث نشده نمی‌توان دعای راجع به اموال عمومی و دولتی را به داوری ارجاع داد. اما نظر دیگر این است که در تفسیر این اصل باید بین مواردی که دولت اعمال حاکمیت کرده و مواردی که تغافل تصدی می‌کند، تفکیک قائل شد. به هر حال تفاسیر متعدد دیگری از این اصل مطرح شده‌اند که تا حدودی می‌توانند از نگرانی سرمایه‌گذاران خارجی بکاهد. یکی دیگر از مشکلات موجود در زمینه سرمایه‌گذاری چگونگی پوشش تغییرات جهشی در قیمت ارز است. به عنوان نمونه سرمایه‌گذاری که ۱۰ سال قبل ۱۰۰ هزار دلار وارد ایران کرده و بابت آن ریل دریافت کرده است امروز در واقع یک ملک یک چهارم ارزش سرمایه اولیه‌اش خواهد بود. این وضعیت برای سرمایه‌گذار خارجی جذباتی ندارد.

پس به عنوان یک راهکار، دولت می‌تواند به سرمایه‌گذار خارجی بگوید که سالانه تا ۱۰ درصد تغییرات قیمت ارز را خودش متقبل شد و مابقی را من تضمین می‌کند تا حداقل در دوران پساربرجام بتوان به جذب سرمایه‌های خارجی امیدوار شد چرا که نخستین معیار سرمایه‌گذار خارجی منفعت اقتصادی است و وجود ریسک‌های تجاری مانع جدی برای ورود آنها می‌شود. درست است که فضای پساربرجام برای جلب سرمایه‌گذار مناسب شده است و چارچوب حقوقی مناسبی هم داریم اما باید ریسک‌های تجاری تضمین سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند کمک مؤثری باشد تا بتوانیم در عرصه بین‌المللی به شرایط عادی برسیم. البته طبیعی است که هزینه‌ها برای کشور ایجاد می‌کند اما هزینه‌ها بسیار کمتر از نایمندی سرمایه‌گذار خارجی است.

در مجموع می‌توان گفت تا حدود زیادی قوانین موجود با استانداردهای بین‌المللی و مورد انتظار سرمایه‌گذاران خارجی همخوانی و تطابق دارند و فضای به نسبت این حقوق برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم است. اگرچه رفع مشکلاتی که شرح آن رفت حائز اهمیت هستند و لازم است اقدام‌های فوری برای رفع موانع و خلاصه‌سازی حقوقی و غیر حقوقی صورت گیرد و مجلس در این راستا صورت گیرد.

یادداشت

ضرورت تصویب قوانین شفاف برای جذب سرمایه‌گذار خارجی پس از اجرای برجام

کشورهای در حال توسعه برای به حدت در آوردن موتور محرک اقتصاد نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند. در صورتی که این کشورها به‌دنبال یافتن جایگاه خود در اقتصاد جهانی و درصد از ثقای وضعیت موجودشان باشند چاره‌ای جز جذب سرمایه خارجی ندارند. به عبارتی این رویه یک الزام برای چنین کشورهایی به شمار می‌رود. البته جمهوری اسلامی



دکتر صادق قاسمی
کارشناس سرمایه‌گذاری

ایران نیز از این مقوله مستثنی نیست. متأسفانه اقتصاد ایران با وجود ظرفیت‌های بالایی که برای رشد دارد، به‌دلیل مشکلات مختلف اعصم از داخلی و خارجی تاکنون نتوانسته جایگاه شایسته و مناسب خود را در اقتصاد دنیا به دست آورد اما مشکل اصلی ایران، ضعف و کمبود منابع داخلی برای تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای برنامه‌های اقتصادی خود است. بنابراین و با اامضای برجام و امکان استقرار فضای جدیدی از تعامل با کشورهای صاحب سرمایه و فناوری، همگان چشم انتظار بیداری جدی‌تر اقتصاد ایران و جهش آن به سمت جایگاه درخور شأن ایران اسلامی هستند.

اما فارغ از فرجام برجام و با نگاهی صرف به مجموعه قوانین و مقررات داخلی این سؤال مطرح می‌شود که تا چه اندازه کشور ما آمادگی جذب سرمایه خارجی را دارد؟ آیا مجموعه قوانین و مقرراتی که در حال حاضر در مورد تعامل با سرمایه‌گذار خارجی در کشور تدوین شده‌اند می‌تواند فضای رقابتی با کشورهای دیگر را برای جذب سرمایه خارجی فراهم سازند یا اینکه نیاز به تغییر و اصلاح دارند؟ به طور کلی آیا تحت شرایط جدید لزومی برای تغییر قوانین و مقررات جاری مرتبط با جذب سرمایه‌گذار خارجی وجود دارد یا قوانین موجود کفایت لازم را در این راستا دارند؟

شاید بتوان مهم‌ترین گام قانونی که جمهوری اسلامی در راستای جذب سرمایه‌گذار خارجی برداشته را تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی مصوب سال ۱۳۸۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام دانست که منجر به رفع پاره‌ای از سختگیری‌های مقرراتی قبلی در رابطه با جذب سرمایه‌گذار خارجی شده است. از دید بسیاری از کارشناسان این قانون از نظر نوشتاری و مواردی که به آن پرداخته، قانونی خوب و مترقی است. شاید اصلی‌ترین نقطه قوت این قانون را نیز بتوان نقشه راه بودن آن و کانالیزه کردن روابط سرمایه‌گذار برای ورود به کشور و همچنین تعریف مسیر مشخصی تحت عنوان «سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی» برشمرد. این قانون کمک بسیاری در خروج سرمایه‌گذار از سردرگمی در بدو ورود به کشور ارائه می‌کند. البته عده‌ای از کارشناسان نیز ایراداتی را بر قانون مذکور وارد می‌دانند که به طور عمده پیرامون تعهداتی است که کشور در قبال سرمایه‌گذار دارد. در این راستا ابهاماتی پیرامون چند نرخی بودن ارز و محدودیت منابع ارزی و وابستگی آن به عوامل دیگری همانند بازار نفت مطرح می‌شود که این عده از کارشناسان اعتقاد دارند می‌تواند تعهدات دولت به سرمایه‌گذار را به چالش بکشد.

با ورود سرمایه‌گذار به هر کشوری و ورود به حاکمیت کشوری دیگر، وی در معرض مجموعه‌ای از قوانین مختلف از جمله قوانین مدنی آن کشور، قوانین کار، قوانین تجارت، مجموعه قوانین و مقررات بیمه، مالیات، مقررات گمرکی و... قرار می‌گیرد. سرمایه‌گذار به‌دنبال امنیت سرمایه خودش است، بنابراین مجموعه قوانین و مقررات کشور سرمایه‌پذیر می‌تواند بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار تأثیر گذار باشد. قوانین مدنی کشور جمهوری اسلامی ایران، با وجود انسجامی که دارد، به‌دلیل نبود وجود رویه قضایی منتشر شده و ابهامی که در تفسیر قوانین وجود دارد می‌تواند بر تصمیم سرمایه‌گذار تأثیر منفی بگذارد.

یکی از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی و نامنی سرمایه‌گذاری، قانون کار است. این قانون با این پیش فرض که کارفرما می‌خواهد کارگر و کارمند را استخدام کند و قانون کار مانع از این عمل می‌شود، شکل گرفته است. این مسأله باعث بی‌توجهی به کارگر و کارفرما و نامنی صلاح طرح‌های تولید را موجب می‌اند است. قانون کار باید بر مبنای همسویی منافع کارگر و کارفرما و نه در جهت تضاد منافع آنها تنظیم شود. سرمایه‌گذار برای ایجاد هر نوع صنعت، نیازمند قوانین ساده کارگری براساس عرضه و تقاضا است. قانون فعلی کار جمهوری اسلامی ایران به طور مصنوعی کارگر را در کارخانجات با حقوق‌های تضمین شده تثبیت می‌کند و یکی از مشکلات اصلی کارفرمایان ایرانی نیز محسوب می‌شود. به گونه‌ای که برخی از کارفرمایان توفیق نداشته‌اند خود را به این قانون مربوط می‌دانند. پس طبیعی است که سرمایه‌گذار داخلی نزدیک‌ترین مشاور ایرانی سرمایه‌گذار خارجی است و این گونه مسائل در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار خارجی بی‌تأثیر نیست. از سوی دیگر قوانین بر سر راه جذب سرمایه‌گذار بر شمرد. سیستم بیمه‌ای و تأمین اجتماعی کشور باید به‌نجوی طراحی شوند که بتوانند خدماتی متناسب با وجوهی که از سرمایه‌گذار دریافت می‌کنند ارائه دهد. امروزه ما شاهد خلاف این موضوع هستیم. هم‌اکنون عده‌ای دریافت حق بیمه از طرف نهادهای تأمین اجتماعی را هزینه اضافی بر دوش سرمایه‌گذار تلقی می‌کنند. قوانین مالیاتی نیز باید بی‌تفاوت و ساده و میزبان مالیات هم باید منتضاه باشد. به نسبت اقدام‌های مناسبی که در این راستا طی سال‌های اخیر توسط ارگان‌های ذی‌ربط صورت پذیرفته، اما همچنان نیاز به انجام پاره‌ای اصلاحات در این زمینه وجود دارد.

آنچه مسلم است، طی سال‌های گذشته و اخیر، تلاش زیادی برای اصلاح قوانین و مقررات کنسور به منظور تسهیل فضای کسب و کار و همچنین جذب سرمایه‌گذار خارجی صورت پذیرفته است. باید بدانیم متغیر بودن شرایط اقتصاد جهانی و وجود فضای رقابتی در جذب سرمایه‌گذار خارجی کنسورهای جهان، اصلاح قوانین را معمول می‌سازد. منتبهی اصلاح قوانین باید به گونه‌ای صورت گیرد که تعارض قوانین رخ نداده و سرمایه‌گذار دچار سر در گمی نشود. فراموش نکنیم که هر چه قوانین و مقررات ساده‌تر باشند احتمال اجرای آنها نیز بیشتر است.

در پایان با اذعان به وجود نیاز به اصلاح پاره‌ای از قوانین و مقررات جاری کشور برای جذب سرمایه‌گذار، خاطر نشان می‌شود که اصلاح مقررات یکی از راه‌های ارتقای سیستم جذب سرمایه‌گذار خارجی است. با توجه به نیاز مبرم کشور و طرح‌های توسعه کشور توصیه می‌شود روابط با کشورهای جهان تعمیم و کار و همچنین جذب سرمایه‌گذار داخلی و بروکراسی موجود در کشور کاهش یابد. همچنین تلاش جدی برای تغییر دیدگاه قدیمی و سنتی نسبت به سرمایه‌گذار خارجی نیز باید با سرعت بیشتری صورت پذیرد.



درست است که فضای پساربرجام برای جلب سرمایه‌گذار مناسب شده است و چارچوب حقوقی مناسبی هم داریم اما باید ریسک‌های تجاری را نیز کم کنیم. به عنوان مثال وجود یک صندوق تضمین سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند کمک مؤثری باشد تا بتوانیم در عرصه بین‌المللی به شرایط عادی برسیم

دهد و نگرانی سرمایه‌گذاران را در عرصه بین‌الملل برطرف کند. در این قانون تعاریف خاصی برای سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه خارجی آمده است. طبق این قانون سرمایه‌گذاری خارجی یک فرآیند پذیرش دارد که باید رعایت شود تا مشمول این قانون شود.به عنوان نمونه اگر یک خارجی چمالتش را پر از پول کرده و به ایران بیاید و زمین و کارخانه بخرد بدون اینکه مجوز بگیرد، مشمول حمایت‌های این قانون نمی‌شود. همچنین سرمایه‌گذار خارجی طبق این قانون شامل ایرانی‌هایی هم می‌شود که از سرمایه با منشأ خارجی استفاده می‌کنند. همچنین انواع وجوه نقدی و غیرنقدی، سود سهامی که تحویل این قانون می‌شود، و همگی سرمایه خارجی محسوب و مشمول این قانون می‌شود.

از جمله نوآوری‌های این قانون پذیرش حقوق مالکیت‌های صنعتی و معنوی (مانند حق اختراع، دانش فنی و اسامی و علامت تجاری) به عنوان سرمایه‌های است که مورد حمایت قانون در کشور قرار می‌گیرد. بنابراین سرمایه‌گذار خارجی نباید نگران باشند که حقوق مالکیت فکری آنها در ایران خدشه‌دار خواهد شد. در این قانون برای تسهیل در کار و به جای آنکه سرمایه‌گذار خارجی بیشتر وقت خود را برای دریافت مجوز از مراجع مختلف صرف کند، همه این خدمات از طریق سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی که تنها نهاد رسمی در این زمینه است ارائه می‌شود. رئیس این سازمان، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی است. مجوزهای صادر می‌شود با نظرفرگن همه اطلاعات لازم است. البته در کنار این سازمان، مرکز به نام «مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی» تأسیس شده که کار آن ارائه مشاورت به سرمایه‌گذار،

این اصل بیان‌کننده نوعی ممنوعیت مطلق است و هیچ شرکت خارجی نمی‌تواند در ایران ثبت شود و به فعالیت بپردازد.

در همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب، دولت وقت در این باره از شوروی نگهبان تشکیل شرکت پاسخ‌شورا این بود که «شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی قرارداد قانونی منعقد کرده‌اند، می‌توانند برای انجام امور قانونی... در حدود دارا‌دهای منعقد به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند» با این تفسیر شاهد ظهور تفاسیر گسترده تری بودیم که ممنوعیت مطلق حضور شرکت خارجی در ایران را شکست. به نحوی که در مراحل بعدی نظرات شورای نگهبان نیز به سمتی رفت که گفته شد اگر کمتر از ۵۰ درصد سهام متعلق به خارجی‌ها نباشد امکان تشکیل شرکت و ثبت وجود دارد. البته در حال حاضر این ممنوعیت نیز در چارچوب قوانین بعدی و تفاسیر جدیدتر منغنی شده و یک شرکت با سهام ۱۰۰ درصد خارجی نیز در کشور قابل ثبت و تشکیل است. البته همانطور که اشاره شد، قوانین مناطق آزاد از همان ابتدا رویکردی مثبت به حضور سرمایه‌گذاران خارجی داشت و از سال ۷۲ نیز امکان تشکیل و ثبت شرکت در این مناطق با سهام ۱۰۰ درصد خارجی فراهم بود.

موضوع بعدی اصل ۸۲ قانون اساسی بود که می‌گوید، استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس.

که این هم محدودیت تلقی می‌شد اما بعدها جنس تفسیر شد که منظور استخدام دائمی در دستگاه‌های دولتی بوده نه به عنوان پیمانکار و مشاوره بنابراین برای هرگونه خدماتی کارشناسان خارجی را به صورت قراردادی بدون تصویب مجلس به استخدام در آورند.

■ **اصل ۴۴ قانون اساسی چه سرنوشتی پیدا کرد؟**

سال ۸۷ و در راستای روند بازگشایی درهای کشور به روی فعالان اقتصادی داخلی و بخش داخلی، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به تصویب رسید که فعالیت‌های اقتصادی را در سه گروه تفکیک کرد. طبق ماده یک این قانون، گروه ۱ شامل تمامی فعالیت‌های اقتصادی از جز موارد مذکور در گروه ۲ و ۳ می‌باشد. گروه ۲ فعالیت‌هایی است که در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی آمده به جز آنها یک که در گروه ۳ قرار دارد و اما گروه ۳ (حوزه انحصاری بخش دولتی) فعالیت‌هایی است که ذکر شده است. به عبارتی به جز فعالیت‌های گروه ۳ مابقی فعالیت‌ها برای بخش خصوصی و تعاونی باز شده است. فعالیت‌های گروه ۱ شامل شبکه‌های مادر مخابراتی، فعالیت‌های پایه ای پستی، تولیدات

محرمانه یا ضروری نظامی، انتظامی و امنیتی و... می‌شود. در واقع بخشی از حوزه‌ها از انحصار دولت خارج شدند به نحوی که دولت دیگر حق دخالت ندارد و طرح خصوصی سازی در حال انجام است. این تحول باعث شد که در حوزه‌های خصوصی شده درها به روی بنگاه‌های داخلی و خارجی باز شود.

■ **آیا به نظر شما قوانین موجود پاسخگوی نیازها و متضمن ایجاد فضای ایمن حقوقی برای سرمایه‌گذاران خارجی هست یا نه؟**

قانون سال ۸۱ سعی کرده چند محور را پوشش دهد و نگرانی سرمایه‌گذاران را در عرصه بین‌الملل برطرف کند. در این قانون تعاریف خاصی برای سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه خارجی آمده است. طبق این قانون سرمایه‌گذاری خارجی یک فرآیند پذیرش دارد که باید رعایت شود تا مشمول این قانون شود.به عنوان نمونه اگر یک خارجی چمالتش را پر از پول کرده و به ایران بیاید و زمین و کارخانه بخرد بدون اینکه مجوز بگیرد، مشمول حمایت‌های این قانون نمی‌شود. همچنین سرمایه‌گذار خارجی طبق این قانون شامل ایرانی‌هایی هم می‌شود که از سرمایه با منشأ خارجی استفاده می‌کنند. همچنین انواع وجوه نقدی و غیرنقدی، سود سهامی که تحویل این قانون می‌شود، و همگی سرمایه خارجی محسوب و مشمول این قانون می‌شود.